

تیتراهای امروز

مکرون: من رئیس توتال نیستم!

■ مرکل: نباید درباره پرداخت خسارت به شرکت‌های اروپایی به خاطر همکاری با ایران توهم ایجاد کرد



صفحه ۲

زنگنه: شرکت چینی جایگزین توتال می‌شود

صفحه ۳

۵ دغدغه مردم در بیمارستان‌های دولتی

صفحه ۴

گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل اسرائیل را به ارتکاب جنایت جنگی در روز نکبت متهم کرد

تبدیل قدس به پادگان نظامی

صفحه ۱۵

رهبر انقلاب در محفل نورانی انس با قرآن کریم با تأکید بر ضرورت موضع‌گیری کشورهای اسلامی در محکومیت جنایت اخیر رژیم صهیونیستی:

آزادی فلسطین سنت الهی است

عکس: Khamenei.ir

روزنه

مسیرت را عوض کن!

■ حسن رضایی

طی روزهای گذشته و پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، عمده بحث‌های سیاسی - رسانه‌ای، پیرامون خوب یا بد بودن برجام اروپایی دور خورده است. فارغ از خوب یا بد بودن تداوم برجام با کشورهای اروپایی اما آنچه در این مقطع زمانی اهمیت استراتژیک دارد، آن است که بدانیم مشغول شدن جامعه و رسانه‌ها به این موضوع، خود می‌تواند امری انحرافی باشد! به بیان دیگر، کمترین دستاورد ۵ سال معطل شدن دولت و مردم برای قراردادی که حالا طرف اصلی آن زیر میز زده، باید آن باشد که بفهمیم گره زدن حل معضلات اقتصادی به خارج از کشور، خطایی فاحش است. حالا پس از ۵ سال، مردم، دولت، رئیس‌جمهور و مسؤولان اقتصادی باید فهمیده باشند نه چرخیدن چرخ ساترنیفیوژ به اقتصاد ربط داشته و نه چرخیدن اقتصاد به خارج از کشور.

مهم‌ترین خروجی برجام باید آن باشد که مسؤولان بفهمند حل معضل آب خوردن مردم، وابسته به شیر فلکه‌های خارج از ایران نیست و این خاسته که روزی مور، ملخ و انسان‌ها را می‌دهد، نه کدخدای شایسته است دولت در شرایط کنونی به جای آنکه باز هم تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد وزارت امور خارجه بگذارد، بفهمد وزارت امور خارجه، بخش کوچکی از راه حل معضلات است، نه همه آن. بر این اساس، رئیس‌جمهور باید روند وقت گذاشتن برای وزرای کابینه را برعکس کند و به جای آنکه وزرای مربوط به امور داخلی کشور را چند ماه پشت در اتاقش منتظر بگذارد، سعی کند بیشتر اوقاتش را با آنان سپری کند و کمتر به تیم وزارت امور خارجه برای حل معضل اقتصاد داخلی دل ببندد!

واقعیت هم این است که تیم وزارت امور خارجه، حداکثر می‌تواند روابط اقتصادی را تسهیل کند و بدون مهیا کردن زیرساخت‌های لازم در داخل مملکت، نتیجه همین می‌شود که حالا ۳ سال پس از اجرای برجام، طبق آمار گمرک، تراز تجاری کشور با ۱۶ کشور از ۲۰ شریک تجاری اصلی کشور، منفی است! به طوری که تراز منفی تجاری ایران با این کشورها از ۹/۶ - میلیارد دلار در سال ۹۵ به حدود ۱۹/۴ - میلیارد دلار در سال ۹۶ رسیده که حاکی از افزایش ۵۰ درصدی تراز منفی تجاری کشور با این ۲۰ کشور است.

ادامه در صفحه ۵

افراط و تفریط اعتدالی!

■ صادق فرامرزی

نه آنقدر کم‌تاثیر و تشریفاتی است که در پاسخ به خروجش از مهم‌ترین توافق بین‌المللی کشورمان به این پاسخ فریبنده محدود شویم که «با اروپا می‌توان برجام را بدون مشکل ادامه داد و از مواهیش که هنوز خود را جلوه‌گر نکرده استفاده کنیم». آنچه بیرون از سروصداهای انبوه رسانه‌های دولتی باید قابل رؤیت باشد آن است که آیا اساسا رویکرد بازدارنده‌ای در باب تعهدات شکل گرفته از سمت ما اتخاذ شده است که توانایی مهار افسار گسیختگی‌های آمریکا را دارا باشد یا خیر؟ آیا کنش فشار آورنده‌ای از سوی دولت ایران در این سال‌ها شکل گرفته است که بتواند هزینه‌های برای خروج هر طرف توافق فراهم آورد یا خیر؟ در این باب هر قدر هم که بخواهیم با عینک خوشبینی به دنبال چیزی بگردیم کمتر چیزی را پیدا خواهیم کرد. در تمام این سال‌ها همه بازدارندگی لحاظ شده از جانب دولت ایران محدود به آن شده بود که پس از برجام با باز گذاشتن دروازه‌های ورودی ایران فضای آن را فراهم آوریم تا حجم انبوهی از شرکتهای خارجی با ورود به بازار ایران منافعشان درگیر اقتصاد ایران شود و بعدها به عنوان عاملی بازدارنده برای هرگونه خروج یا سنگ‌اندازی از جانب دیگر طرفین فضا را به آن سمت مدیریت کنند که کشورهای دیگر برای تقابل با ایران به تقابل با شرکتهای خود بسر بخورند. این تدبیر هرچند روی کاغذ زیبا و کارساز جلوه می‌کند اما تفاوتش با آنچه در عالم واقع رخ داده تفاوت زمین است تا آسمان، چرا که هر آنچه در این سال‌ها و در این قالب شکل گرفته همه محدود به تبدیل کردن ایران به یک بازار جذاب مصرفی برای سایر کشورهای حاضر در توافق بود، آنچنان که آمارها نیز نشان می‌دهد افزایش نجومی واردات ایران از اروپا که بخش عمده‌اش شامل کالاهای لوکس مصرفی می‌شد، نهنتها ایران پس‌برجام را تبدیل به ایرانی با اقتصاد شکوفانکرده، بلکه حفره‌های موجود آن را عمق بیشتری بخشید. غفلت ورزیدن از این مساله که مهم‌ترین مانع بر سر راه ایران تحریم‌های بانکسی‌ای بود که در تمام روزهای پس‌برجام محدودیت‌هایش کماکان نمایان بود و کشور را در جبهه‌جایی ارز با مشکل مواجه می‌کرد و فریب دادن خود به اینکه تبدیل ایران به یک بازار مصرفی برای کالاهای لوکس وارداتی می‌تواند عامل بازدارنده‌ای باشد، نتیجه‌ای جز آن به ارمان نیاورد که قدم به قدم نقض توافقاتی که سعی می‌شد فاحش خوانده نشود، راه را برای خروج ایالات متحده آمریکا از این توافق باز کرد.

ادامه در صفحه ۵

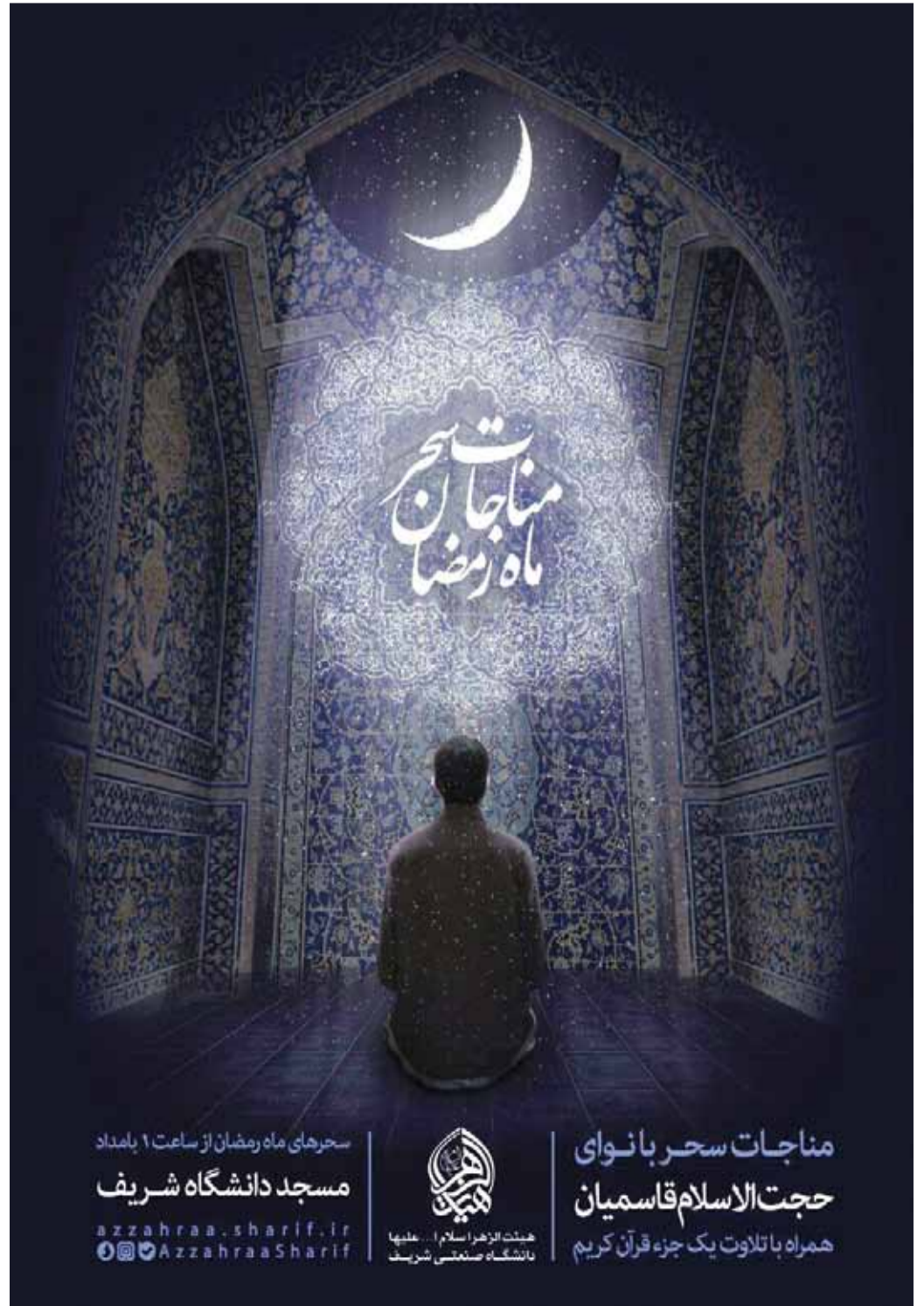
آینده برجام و آنچه بر روابط میان ایران و سایر کشورهای حاضر در توافق هسته‌ای می‌گذرد مهم‌ترین پرسش این روزهای سیاست کشور است. دیگر هر تأکیدی که بر نقش آمریکا می‌شود تأکیدی سلبی خواهد بود، اگر تا پیش از این همه تلاش‌های دولتمردان و رسانه‌هایشان آن بود که از نقش سازنده آمریکا در روند توافق و پس از آن گشایش اقتصادی سخن گفته شود، این روزها همه آنها از نقش مخرب آمریکا بر آینده توافق شکل گرفته صحبت می‌کنند. آمریکایی که تا پیش از این عامل مساعد، تفسیر و تلقی می‌شد، از حالا به بعد تبدیل به عامل مخرب و به صورت کلی مهم‌ترین مانع گشایش‌ها تصویر می‌شود. گذر از «آمریکا به مثابه چرخه اصلی شکوفایی» به «آمریکا به مثابه ترمز توافقات» مهم‌ترین تغییر شکل گرفته در چارچوب تصویر ارائه شده از واقعیت‌ها روابط بین‌الملل در بیان دولتمردان فعلی است و طبیعی جلوه می‌کند که اگر تا دیروز باقی بازیگران صرفا به مثابه آلت دست آمریکا و عروسک خیمه‌شهبازی تصویر می‌شدند، از حالا به بعد یکباره در قامت بازیگران اصلی که می‌توانند نقش آمریکا را محدود و حداقلی کنند تلقی می‌شوند. افراط در نگاه نسبت به سطح اثرگذاری آمریکا تا پیش از خروجش از برجام و تفریط در نگاه نسبت به سطح اثرگذاری آن پس از خروج از برجام، گویا مهم‌ترین هنری است که تنها از اصحاب اعتدال برمی‌آید.

اگر تا دیروز هر توصیه برای تغییر مشی دیپلماتیک و جدی گرفتن باقی بازیگران بین‌الملل (منهای آمریکا) اینگونه پاسخ داده می‌شد که خلاف واقعیت است، امروز به شکلی کاملاً عکس پاسخ داده می‌شود تا مشخص شود دولتمردان و رئیس‌جمهور حتی وزن بازیگران جهانی را بر مبنای راه طی شده خود می‌سنجند. آنها تا پیش از خروج آمریکا از برجام حتی اجازه آن را نمی‌دادند که به نقش تعیین‌کننده بازیگران بین‌المللی ذره‌ای توجه شود و حالا پس از این خروج به شکلی باز هم غیرقابل باور اینگونه تلاش می‌کنند که نقش آمریکا را به حد یک بازیگر منفعل و منزوی که توان چندانی برای اثرگذاری ندارد تقلیل دهند. با مجموعه این تعاریف آیا واقعیت آنچنان است که مردان اعتدال می‌بینند یا لاقال سعی می‌کنند و نامود به دیدنشان کند؟

حقیقت آن است که آمریکا نهنه به آن میزان کدخدایی بین‌الملل است که چند سال تمام کنش‌های مثبت درباره سایر کشورها را تعطیل کنیم و روی بستن با آن تمرکز داشته باشیم و

نگاه امروز

در توافق هسته‌ای می‌گذرد مهم‌ترین پرسش این روزهای سیاست کشور است. دیگر هر تأکیدی که بر نقش آمریکا می‌شود تأکیدی سلبی خواهد بود، اگر تا پیش از این همه تلاش‌های دولتمردان و رسانه‌هایشان آن بود که از نقش سازنده آمریکا در روند توافق و پس از آن گشایش اقتصادی سخن گفته شود، این روزها همه آنها از نقش مخرب آمریکا بر آینده توافق شکل گرفته صحبت می‌کنند. آمریکایی که تا پیش از این عامل مساعد، تفسیر و تلقی می‌شد، از حالا به بعد تبدیل به عامل مخرب و به صورت کلی مهم‌ترین مانع گشایش‌ها تصویر می‌شود. گذر از «آمریکا به مثابه چرخه اصلی شکوفایی» به «آمریکا به مثابه ترمز توافقات» مهم‌ترین تغییر شکل گرفته در چارچوب تصویر ارائه شده از واقعیت‌ها روابط بین‌الملل در بیان دولتمردان فعلی است و طبیعی جلوه می‌کند که اگر تا دیروز باقی بازیگران صرفا به مثابه آلت دست آمریکا و عروسک خیمه‌شهبازی تصویر می‌شدند، از حالا به بعد یکباره در قامت بازیگران اصلی که می‌توانند نقش آمریکا را محدود و حداقلی کنند تلقی می‌شوند. افراط در نگاه نسبت به سطح اثرگذاری آمریکا تا پیش از خروجش از برجام و تفریط در نگاه نسبت به سطح اثرگذاری آن پس از خروج از برجام، گویا مهم‌ترین هنری است که تنها از اصحاب اعتدال برمی‌آید.



سحرهای ماه رمضان از ساعت ۱ پامداد

مسجد دانشگاه شریف

azzahraa.sharif.ir
AzzahraaSharif



مناجات سحر بانوای

حجت الاسلام قاسمیان

همراه با تلاوت یک جزء قرآن کریم

هیئت الزهراء اسلام ا. علیها
دانشگاه صنعتی شریف